

ایهام

ایهام

سر د روی ← ایهام تناسب

معنی محبت ز روی لطف بگوش که جانگه دارد

صبا بر آن سر زلف ار دل مرا بینی

نه: عبد، قودم

چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت ز دست بنده چه خیزد خدا نگه دارد

عجب دهرشید

ایهام

آفتاب زرد و بی مهر غروب مثل صدها قناری نشسته بود

ایهام تناسب

لاله دیدم، روی زیبایی توام آمد به یاد شعله دیدم سرکشیهای توام آمد به یاد

لیله واسیه ← معنی سودا (انسانی)

گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید

ایهام

چو سرو از راستی برزد علم را / ندید اندر جهان تاراج غم را

احد

حدی

ایهام تناسب

مثل قرآن، مثل آب است روان؛ در آب، حیات تنها بود و در قرآن حیات دلها بود

بیابان
ایمان
X

ایهام تناسب

گر در طلبت رنجی ما را برسد، شاید چون عشق حرم باشد سهل ست بیابانها

مشرد فرج
سودا فرج
X

معلم، مرغان را گویا می کشید؛ گوزن را رعنا رقم می زد؛ خرگوش را چابک می بست؛ سگ را روان گرتنه می ریخت

ایهام

در چشم او که خود چشم زمانه ما بود، آرامشی بود که گمان می بردی شاید هم به حق از سر تسلیم است

توسل
توسل
X

ایهام تناسب

ایهام

و با اشتیاق منتظر شب هستند تا به قلب دشمن بتازند.

پیش از همه غواصها در سکوت شب، بعد از خواندن دعای فرج و توسل به حضرت زهرا (س)، به آب زدند و خط را گشودند

کاسه سی

ایهام تناسب

با سربی مو چو پشت طاس و طشت

جولقی ای سر برهنه می گذشت

ایهام

مخور طعمه جز خسروانی خورش که جان یابدت زان خورش، پرورش

اهت

ایهام تناسب

خسرو زنگ قرآن، در «شهناز» شوری به پا کرده بود

تاریخ، روزی روستای کوچکی را / از روستاهای جنوب به یاد خواهد آورد / که «معرکه» خوانده میشود / روستایی که با «صدر»ش، با سینه اش /

سینه ملک
سینه ملک

نام روستا ملک
نام روستا ملک

از شرافت خاک و کرامت انسان بودن دفاع کرد